

رشد اقتصادی و جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی در ایران

شادی ظفری^۱، مریم رستمی^۲

^۱مدرس گروه حسابداری، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران، sh.zafari.eco@gmail.com

^۲دانشجوی کارشناسی گروه حسابداری، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران، mrymrostami82@gmail.com

چکیده

سرمایه گذاری به عنوان موتور محرکه رشد اقتصادی، برای توسعه اقتصادی و اجتماعی ضروری است. افزایش سرمایه گذاری منجر به افزایش تولید، ارزش افزوده، درآمد، رفاه، اشتغال و کاهش نرخ بیکاری و فقر می شود. اهمیت رشد اقتصادی در پیشرفت کشورها بسیار حائز اهمیت است و ارتباط تنگاتنگی با سطح رفاه زندگی مردم هر کشور دارد. به دلیل اهمیت این موضوع و منافع بسیار رشد اقتصادی، دولت ها جهت دستیابی به یک اقتصاد پیشرفته تلاش می کنند به این دلیل باید قوانین و مقررات خاصی وضع کنند و زیرساخت های لازم را بهبود بخشند. هدف اصلی این تحقیق تحلیل مسائل و مشکلات جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی و ارائه راهکارهای مناسب برای دستیابی به آن است. نتایج تحقیق نشان می دهد که نوسانات قیمت و درآمد نفت خام، تضمین ها و قراردادهای بین المللی تأثیر زیادی بر جذب سرمایه گذاری دارند.

کلید واژه: رشد اقتصادی، سرمایه گذاری داخلی، سرمایه گذاری خارجی، تجارت.

مقدمه

شوند و با استفاده از الگوی اقتصاد سنجی این بی ثباتی قیمت ها را ریشه یابی کرد.

اقتصاددانان کلاسیک بر این باورند که تمرکز سرمایه کلید توسعه اقتصادی است و برای این تمرکز نیاز به پس انداز بیشتر وجود دارد. به اعتقاد آن ها، انگیزه سودجویی عامل اصلی سرمایه گذاری است و هر چه نرخ سود بالاتر باشد، میزان تمرکز سرمایه نیز افزایش می یابد. کینز نیز معتقد بود که سرمایه گذاری از پارامترهای اصلی در تقاضای کل است و افزایش سرمایه گذاری باعث افزایش تقاضای کل و درآمد ملی می شود. برای تبیین رفتار سرمایه گذاری، نظریه های مختلفی ارائه شده که مهم ترین آن ها شامل نظریه وجوه داخلی، نظریه شتاب سرمایه گذاری و نظریه نئوکلاسیک است. در نظریه وجوه داخلی، سرمایه گذاری تابعی از سود در نظر گرفته می شود و در نظریه شتاب فرض بر این است که سرمایه گذاری ناخالص تابعی از سطح تقاضای کل و تابعی معکوس از موجودی سرمایه دوره قبل است. (دودانگی، ۱۳۹۵)

مبانی نظری تحقیق:

در این مقاله سعی شده است تا با بررسی عوامل بین المللی اقتصادی راهکارهای مناسبی برای جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی گردآوری شود، به طور کلی اقتصاددانان با ایجاد چرخه پولی، گردش چرخه اقتصادی را افزایش داده اند و آن را روان کرده اند. براساس این چرخه می توان گفت که بنگاه ها، کالاها و خدمات را تولید و با نهایی کردن آن ها را به خانوارها عرضه می کنند، خانوارها نیز کار، سرمایه و دارایی را که جزء عوامل تولید است، به بازار عرضه می کنند که باعث افزایش دستمزد، بهره، اجاره و سود می شود. در نتیجه این چرخه اقتصادی موجب ایجاد بستری برای افزایش و یا کاهش سرمایه گذاری می شود. در این مقاله عواملی را که در این جهت موجب جذب سرمایه گذاری می شود مورد تحلیل قرار می دهیم؛ علی رغم اینکه امروزه در کشور ما سرمایه گذاری ها جذب کمتری دارند و با اینکه از کشورهای در حال توسعه به شمار می رویم، رشد اقتصاد ما روندی نزولی داشته است، باید تحلیلات کلی را در رابطه با این اوضاع ارائه داد تا مشکلات و موانعی که وجود دارد شناسایی

چند روش که تجارت به رشد اقتصادی کمک می کند، آورده شده است:

1. افزایش تولید و اشتغال زایی:

تجارت بین المللی امکان دسترسی به بازارهای بزرگ تر را فراهم می کند و شرکت ها را به تولید بیشتر تشویق می کند. این افزایش تولید، اشتغال زایی را در بخش های مختلف اقتصادی تقویت می کند.

2. انتقال فناوری و دانش

کشورها از طریق تجارت می توانند به فناوری های پیشرفته تر و دانش فنی دست یابند. این امر موجب بهبود بهره وری و افزایش کیفیت محصولات می شود.

3. تنوع اقتصادی

تجارت به کشورها کمک می کند که اقتصاد خود را متنوع کنند و از وابستگی به یک یا چند صنعت خاص جلوگیری کنند. این تنوع باعث افزایش ثبات اقتصادی می شود.

4. افزایش درآمد و سرمایه گذاری

تجارت، درآمدهای ارزی را افزایش می دهد و فرصت های سرمایه گذاری داخلی و خارجی را تقویت می کند. این سرمایه گذاری ها می توانند زیرساخت ها، صنایع و خدمات را توسعه دهند.

5. رقابت و نوآوری

تجارت جهانی رقابت را افزایش می دهد و شرکت ها را به نوآوری و بهبود کیفیت محصولات خود ترغیب می کند. این امر به افزایش بهره وری و کاهش هزینه ها منجر می شود.

6. ارتباطات و همکاری های بین المللی

تجارت، ارتباطات بین المللی را تقویت می کند و زمینه ساز همکاری های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میان کشورها می شود. این همکاری ها می تواند به ایجاد ثبات اقتصادی کمک کند.

7. افزایش استانداردهای زندگی

با دسترسی به کالاها و خدمات متنوع تر و باکیفیت تر، استانداردهای زندگی مردم بهبود می یابد و رفاه عمومی افزایش می یابد.

به طور کلی، تجارت به عنوان یک موتور محرک اقتصادی عمل می کند و از طریق افزایش تولید، ایجاد فرصت های شغلی، و انتقال فناوری به رشد پایدار اقتصادی کشورها کمک می کند.

اقتصاد ایران در سال های اخیر با کاهش شدید رشد بهره وری مواجه شده است که این وضعیت به دلیل تحریم های اقتصادی و ناطمینانی نسبت به آینده تشدید شده است. در این شرایط، حتی افزایش منابع نفتی نیز تأثیر چندانی بر بازدهی بخش تولید غیرنفتی ندارد، زیرا منابع سرمایه ای به طور مؤثر در فرآیندهای تولیدی و اشتغال زا به کار گرفته نمی شوند و بیشتر به مصرف مستقیم یا سوداگری در بازارهای مالی اختصاص می یابند. با توجه به اینکه نرخ رشد بهره وری بلندمدت نزدیک به صفر است، نرخ رشد تولید در بلندمدت به نرخ رشد موجودی سرمایه و اشتغال وابسته خواهد بود. همچنین، با وجود مازاد عرضه در بازار کار، تجهیز سرمایه ای که بتواند کاهش بهره وری را جبران کند، نه ممکن است و نه منطقی. بنابراین، بازگشت به نرخ های رشد بالا در اقتصاد ایران با ادامه این روند دشوار خواهد بود. (درگاهی، 1397)

امروز بسیاری از کشورها به دلیل ناکافی بودن منابع داخلی برای سرمایه گذاری، تمایل زیادی به جذب سرمایه های خارجی دارند.

سرمایه گذاران خارجی، به ویژه شرکت های فراملیتی، برای افزایش رقابت پذیری و کسب سود بیشتر به سرمایه گذاری در مناطق مستعد و مزیت دار روی آورده اند. طی دو دهه گذشته، با ارتقای سطح تکنولوژی و امکان انتقال سرمایه، رشد سریع سرمایه گذاری خارجی در کشورهای مختلف، اعم از توسعه یافته و در حال توسعه، مشاهده شده است. همچنین، ارتباط بین تجارت، سرمایه گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی در این کشورها همواره مورد توجه بوده است. بر اساس نظرات مختلف، تجارت می تواند باعث افزایش سطح مهارت ها و ورود تکنولوژی های برتر شود و به رشد اقتصادی کمک کند. نظریه پردازی مانند آدام اسمیت و سینگر به دو دسته موافقان و مخالفان تجارت آزاد تقسیم می شوند. موافقان معتقدند که تجارت آزاد موجب شتاب رشد اقتصادی می شود و آن را به عنوان موتور رشد اقتصادی می شناسند. در مقابل، مخالفان تجارت آزاد، آن را عامل کاهش رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه می دانند. (سیدکمیله طیبی، 1392)

تجارت نقش بسیار مهمی در رشد اقتصادی ایفا می کند. از طریق تجارت، کشورها می توانند منابع خود را بهینه استفاده کنند، بازارهای جدید ایجاد کنند و تولید را افزایش دهند. در ادامه،

جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی

در کشورهای در حال توسعه، مشکلاتی نظیر درآمد ناکافی، نابرابری در توزیع درآمد، کمبود تجهیزات سرمایه‌ای و عدم وجود مؤسسات مالی مناسب وجود دارد. این کشورها برای جبران عقب‌ماندگی‌های اقتصادی به وام‌گیری از کشورهای دیگر و مؤسسات مالی متوسل می‌شوند. همچنین، سرمایه‌گذاری داخلی در حد مطلوبی انجام نمی‌شود و استفاده بهینه از منابع جذب شده نیز صورت نمی‌گیرد. سرمایه‌گذاری خارجی و انواع جریان‌های بین‌المللی سرمایه به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: دسته اول شامل وام‌ها و منابع تأمین مالی است و دسته دوم به سرمایه‌گذاری‌های خارجی مربوط می‌شود. (دودانگی، 1394)

نظریه‌های رشد هارود-دومار و سولو و نظریه توسعه روستو بر توان مالی و سرمایه‌گذاری در اقتصاد تأکید دارند. تأمین مالی از طریق منابع مختلف، مانند بدهی‌های خارجی، جذب سرمایه خارجی و استفاده از پس‌اندازهای داخلی برای کشورهای در حال توسعه ضروری است. این کشورها باید به دنبال استفاده بهینه از سرمایه‌های جذب‌شده باشند تا بتوانند شکاف‌های سرمایه‌گذاری را پر کنند. ورود سرمایه به این کشورها تأثیرات اقتصادی قابل توجهی دارد و می‌تواند هزینه‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را کاهش دهد و به رشد اقتصادی کمک کند. (طیعی، 1392)

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز در کشورهای در حال توسعه دارای سابقه طولانی است. با هرگونه تغییری در فضای سرمایه‌گذاری شامل سیاست دولت‌ها در قبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و در سیاست‌های اقتصادی، این نوع از سرمایه‌گذاری‌ها در طول زمان با نوساناتی مواجه بوده است. برخی از خط‌مشی‌های توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه که اثرات تعیین‌کننده بر تصمیمات سرمایه‌گذاران خارجی داشته است شامل موارد زیر است:

- سیاست‌های جایگزینی واردات 1950 و 1960.
- سیاست‌های توسعه منابع طبیعی در دهه 1970.
- برنامه‌های تعدیل ساختار و گذر به اقتصاد بازار در دهه 1980.
- سیاست‌های معطوف به افزایش نقش بخش خصوصی در دهه 1990. (خدادادی، 1386)

در دهه گذشته نیز، کشورهای مختلف برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) رویکردهای متنوعی را اتخاذ کرده‌اند که به‌طور کلی می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد:

(1) **ایجاد محیط اقتصادی و سیاسی پایدار:** ثبات سیاسی و اقتصادی از عوامل کلیدی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. کشورهایی که توانسته‌اند با کاهش ریسک‌های سیاسی و بهبود زیرساخت‌های قانونی، محیطی امن و پایدار برای سرمایه‌گذاران فراهم کنند، موفق به جذب سرمایه‌های بیشتری شده‌اند. به‌عنوان مثال، حفاظت از حقوق مالکیت و کاهش ریسک‌های سیاسی تأثیر مثبتی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد.

(2) **تدوین سیاست‌های صنعتی و انتقال فناوری:** برخی کشورها با تدوین سیاست‌های گزینشی و تعیین شروط برای انتقال فناوری در چارچوب سیاست‌های صنعتی خود، سعی در بهره‌برداری بهینه از سرمایه‌گذاری‌های خارجی داشته‌اند. این رویکرد نه تنها به جذب سرمایه کمک می‌کند، بلکه به انتقال فناوری و ارتقاء توانمندی‌های داخلی نیز منجر می‌شود. در ایران نیز پیشنهاد شده است که سیاست‌های گزینشی و تعیین شروط انتقال فناوری در چارچوب سیاست صنعتی و برنامه‌های آمایش سرزمین با ملاحظه حفظ دستاوردهای شرکت‌های داخلی در مقابل شرکت‌های خارجی تدوین شود.

علاوه بر این، عواملی مانند بهبود زیرساخت‌ها، اصلاح نظام مالیاتی، تسهیل فرآیندهای اداری و قانونی، و ایجاد مشوق‌های مالی نیز در جذب سرمایه‌گذاری خارجی مؤثر بوده‌اند. به‌عنوان مثال، تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که ورود سرمایه خارجی در این کشورها مبتنی بر انتخاب و تعیین شروط برای انتقال فناوری در چارچوب سیاست صنعتی آن‌ها بوده است.

در مجموع، ترکیبی از ثبات سیاسی، سیاست‌های صنعتی هوشمندانه، و بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، رویکردهایی هستند که در دهه اخیر برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

شاه‌آبادی و همکاران در سال 1385 عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران را بررسی کرده‌اند. این عوامل شامل نرخ بازگشت سرمایه، وضعیت اقتصادی، زیرساخت‌ها، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری داخلی، منابع طبیعی، سرمایه انسانی، تورم، نرخ ارز، بدهی خارجی، وضعیت مالی دولت، مالیات، پس‌انداز، بازار و نسبت مخارج دولت به تولید

عوامل دیگری مانند خلاقیت و سلامت گسترش یابد. مدل های مختلفی، از جمله مدل رشد درون زای لوکاس، تفاوت بین نیروی کار آموزش دیده و نیروی کار کم مهارت را بررسی کرده و نشان می دهند که سرمایه انسانی می تواند به بهبود بازدهی و بهره وری در فرآیند تولید کمک کند. در نهایت، سرمایه گذاری در نیروی انسانی و هزینه های آموزشی می تواند به عملکرد بهتر و افزایش بهره وری سرمایه های فیزیکی منجر شود. (مظفری، ۱۴۰۰)

کیفیت آموزش و سطح مهارت نیروی کار: در چهار دهه گذشته، مشارکت نیروی کار در بسیاری از کشورهای صنعتی کاهش یافته است که این امر به کاهش سهم نیروی کار در تولید منجر شده است. افزایش سرمایه انسانی به تنهایی نمی تواند رشد پایدار را تضمین کند، مگر اینکه همزمان با آن، نیروی کار و بهره وری نیز افزایش یابد. بررسی ها در بخش تولید صنعتی کشورهای آمریکای لاتین و کره جنوبی نشان می دهد که اشتغال و بهره وری در جهت مخالف حرکت می کنند. این وضعیت نشان دهنده این است که اگر مشاغل با بهره وری مشابه در بخش های دیگر اقتصاد وجود نداشته باشد، امیدي به رشد اقتصادی مفید نخواهد بود. در بیشتر موارد، تأثیر عامل سرمایه بر نیروی کار اندک بوده، اما این موضوع برای مشارکت نیروی کار در تولید صادق نیست. (مظفری، ۱۴۰۰)

منابع طبیعی: دسترسی به منابع طبیعی، به ویژه نفت و گاز، یکی از عوامل اصلی رشد اقتصادی ایران است.

میانگین رشد اقتصادی ایران سالانه در دوره ۱۳۵۶-۶۷ معادل ۱۰۶ درصد و در سال های انقلاب و جنگ تحمیلی ۱۰۶ درصد بوده است. در دهه ۱۳۸۰، با وجود افزایش درآمدهای نفتی، رشد اقتصادی پایدار و بالایی حاصل نشد و اقتصاد با کاهش بهره وری مواجه بود. در نیمه نخست دهه ۱۳۹۰، به دلیل تحریم های شدید، رشد اقتصادی به شدت کاهش یافت. اما از سال ۱۳۹۴ با رفع تحریم ها، رشد اقتصادی بهبود یافت و در سال ۱۳۹۵ به ۶۱ درصد رسید. در سال ۱۳۹۶، رشد اقتصادی کل ۳۳ درصد و بدون نفت ۱۲۵ درصد بوده است. این تحولات نشان دهنده اهمیت خروج از رکود و ضرورت توجه به رشد پایدار اقتصادی است. اقتصاد ایران در سال های اخیر با کاهش شدید رشد بهره وری مواجه بوده است که این وضعیت به دلیل تحریم های اقتصادی و نااطمینانی نسبت به آینده تشدید شده است. در این شرایط، حتی افزایش منابع نفتی نیز تأثیر چندانی بر بازدهی

ناخالص داخلی هستند. نتایج تحقیق نشان می دهد که منابع طبیعی، سرمایه انسانی و زیرساخت ها به طور مستقیم بر جذب سرمایه گذاری خارجی تأثیر دارند. همچنین، عوامل مانند باز بودن اقتصاد و نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی نیز تأثیرات مثبت و منفی بر جذب سرمایه گذاری دارند. (شاه آبادی و همکاران، ۱۳۸۵)

رشد اقتصادی در ایران:

رشد اقتصادی ایران تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد که می توان آنها را به عوامل داخلی و خارجی تقسیم کرد. در زیر مهم ترین عوامل مؤثر در رشد اقتصادی ایران ذکر شده اند:

عوامل داخلی:

۱) زیرساخت های اقتصادی

توسعه زیرساخت های حمل و نقل، انرژی و ارتباطات نقش کلیدی در رشد اقتصادی دارد.

کمبود سرمایه گذاری در زیرساخت ها می تواند رشد اقتصادی را محدود کند.

۲) سیاست های کلان اقتصادی:

الف) سیاست های مالی

کاهش کسری بودجه از طریق مدیریت هزینه های دولت و افزایش درآمدهای مالیاتی.

اصلاح نظام مالیاتی برای کاهش فرار مالیاتی و افزایش عدالت مالیاتی.

کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی.

ب) سیاست های پولی

کنترل تورم از طریق مدیریت نقدینگی و تنظیم نرخ بهره.

حمایت از تولید با ارائه تسهیلات ارزان قیمت به بخش های کلیدی اقتصادی.

تقویت ارزش پول ملی و مدیریت نرخ ارز.

ج) سیاست های ارزی

ایجاد ثبات در بازار ارز برای جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی.

تسهیل واردات مواد اولیه و تجهیزات تولیدی

توسعه صادرات غیرنفتی و تنوع بخشی به سبد صادراتی

سرمایه انسانی: سرمایه انسانی شامل دانش، خلاقیت و مهارت های افراد است که می تواند از طریق آموزش و همچنین

نزولی را شروع کرده و در تابستان ۱۴۰۳ به عدد ۳.۱ درصد و در نهایت در فصل پاییز این سال به رشد ۱.۶ درصدی رسیده است. به گفته کارشناسان اقتصادی در کشور، رشد اقتصادی تابعی مستقیم از رشد بخش نفت و گاز است.

اقتصاددانان توصیه می کنند برای وابستگی کمتر شرایط اقتصادی کشور به درآمدهای نفتی، بودجه دولت از درآمدهای نفتی جدا شود و درآمدهای نفتی تنها برای سرمایه گذاری های زیرساختی به کار رود. علاوه بر این، گام برداشتن در راستای رفع دائمی تحریم های نفتی، اقدام مهم دیگری است که هم می تواند وضعیت رشد اقتصادی را بهبود دهد و هم می تواند وضعیت بخش نفت را نسبت به قبل بهتر کند. حدود نیمی از رشد اقتصادی کشور به نفت وابسته است و کاهش رشد در دهه ۹۰ به دلیل تحریم ها و کاهش فروش نفت بوده است.

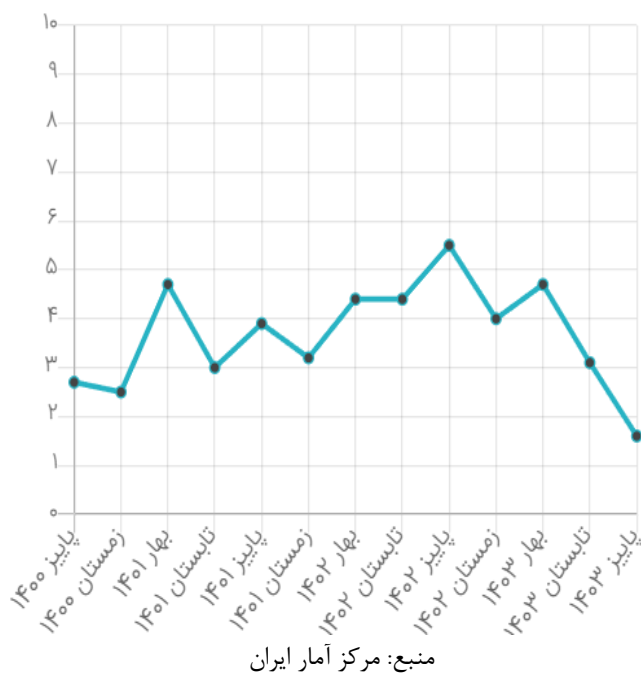
پژوهش ها نشان داده است که نوسان قیمت نفت نمی تواند تصمیمات سرمایه گذاری در بخش نفت و گاز را به صورت معناداری تحت تاثیر قرار دهد و نوسان قیمت نفت اثری معنادار و معکوس بر شاخص های کلیدی اقتصاد کلان شامل سرمایه گذاری ثابت، مصرف، اشتغال، رشد تولید ناخالص داخلی، و نرخ بیکاری دارد و همینطور تصمیمات سرمایه گذاری تحت تاثیر نوسانات نرخ ارز، محیط سرمایه گذاری و قیمت نفت بوده است. (جعفری، ۱۳۹۶)

نتیجه گیری:

سرمایه گذاری به عنوان عامل کلیدی رشد اقتصادی، برای توسعه اقتصادی و اجتماعی ضروری است و منجر به افزایش تولید، درآمد، رفاه و اشتغال می شود. دولت ها باید قوانین و زیرساخت های لازم را بهبود بخشند تا به یک اقتصاد پیشرفته دست یابند. نتایج نشان می دهد که نوسانات قیمت نفت و قراردادهای بین المللی تأثیر زیادی بر جذب سرمایه گذاری دارند. هدف تحقیق بررسی عوامل بین المللی اقتصادی و ارائه راهکارهایی برای جذب سرمایه گذاری است. کشورهای در حال توسعه برای غلبه بر مشکلاتی نظیر کمبود سرمایه، نابرابری اقتصادی، و ناکارآمدی در توزیع منابع، به سرمایه گذاری داخلی و خارجی نیاز دارند. تأمین مالی از طریق بدهی های خارجی و جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی FDI از راهبردهای کلیدی برای پر کردن شکاف سرمایه گذاری و دستیابی به رشد اقتصادی پایدار است.

بخش تولید غیرنفتی ندارد، زیرا منابع سرمایه ای به طور مؤثر در فرآیندهای تولیدی و اشتغال زا به کار گرفته نمی شوند و بیشتر به مصرف مستقیم یا سوداگری در بازارهای مالی اختصاص می یابند. با توجه به مازاد عرضه در بازار کار و عدم امکان تجهیز سرمایه برای جبران کاهش بهره وری، نرخ رشد تولید در بلندمدت به نرخ رشد موجودی سرمایه و اشتغال وابسته خواهد بود. بنابراین، بازگشت به نرخ های رشد بالا در این شرایط دشوار به نظر می رسد. (درگاهی، ۱۳۹۷)

به عبارتی مؤثرترین عامل سرکوب مالی در اقتصاد ایران وابستگی به درآمد نفت می باشد، در اقتصاد ایران به طور متوسط در حدود ۷۵ درصد درآمد دولت از سال ۱۳۷۰ به بعد را درآمد حاصل از فروش نفت تأمین کرده است. همچنین تأمین مالی ارزان هزینه های دولت نیز مشوق سرمایه گذاری های کم بازده دولت، کسری بودجه و ناکارایی مزمن در اقتصاد گردیده است (تقوی، ۱۳۸۹).



نمودار بالا نشان دهنده نرخ رشد اقتصادی ایران به صورت فصلی و با سال پایه ۱۴۰۰، برای دوره پاییز ۱۴۰۰ تا پاییز ۱۴۰۳ می باشد. در فصل پاییز ۱۴۰۰ این نرخ ۲.۷ درصد بوده است و در زمستان همان سال به ۲.۵ درصد کاهش یافته است. پس از آن با رشد نزدیک به دوبرابری نرخ رشد اقتصادی به ۴.۷ درصد در بهار ۱۴۰۱ رسیده است. سپس در دوره های بعدی این نرخ دارای نوساناتی بوده است. در بهار ۱۴۰۳ از ۴.۷ درصد، رشد

- [1] تقوی، مهدی، 1389، توسعه مالی سرمایه گذاری و رشد اقتصادی، مجله دانش حسابرسی، شماره 40، 59-70.
- [2] جعفری، محبوبه، 1397، تأثیر نوسان قیمت نفت بر رفتار سرمایه گذاری در اقتصاد ایران، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، 95-110.
- [3] خدادادی، ولی، 1386، سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی، شماره 6.
- [4] درگاهی، حسن، 1397، تحلیل چالش های رشد اقتصادی ایران: رویکرد الگوی اقتصاد سنجی کلان، پژوهشنامه اقتصاد برنامه ریزی، دوره 22، شماره 2، 3-41.
- [5] دودانگی، محمد، 1395، عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی در ایران، فصلنامه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، سال ششم، شماره بیست و سوم، 131-147.
- [6] شاه آبادی، ابوالفضل؛ محمودی، عبدالله، 1385، تعیین کننده های سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران، دوره 3، شماره 5، 92-129.
- [7] طیبی، سیدکمیل؛ پورشهابی، فرشید؛ خانی زاده امیری، مجتبی؛ کاظمی، الهام، 1392، اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن تجاری بر سرمایه گذاری داخلی و رشد اقتصادی (مطالعه موردی 10 کشور در حال توسعه آسیایی)، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، سال بیست و یکم، شماره 67، 131-152.
- [8] قره باغیان، مرتضی؛ خسروی نژاد، علی اکبر، 1378، بررسی منابع رشد اقتصادی در ایران، پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، دوره 7، شماره 10.
- [9] مظفری، زانا؛ قادری، سامان، 1400، نقش سرمایه انسانی در صنعتی شدن اقتصاد ایران؛ کاربردهای منطق فازی و GMM در سری های زمانی، فصلنامه علمی پژوهش های اقتصاد صنعتی، سال پنجم، شماره هفدهم، 45-58.
- [10] سایت مرکز آمار ایران. www.amar.org.ir.

ایجاد ثبات اقتصادی و سیاسی، بهبود زیرساخت ها، تدوین سیاست های صنعتی هوشمندانه، و ارائه مشوق های مالی و قانونی از عوامل مؤثر در جذب سرمایه گذاری خارجی به شمار می روند. تجربه کشورهای موفق نشان داده است که تعیین شروط برای انتقال فناوری و حمایت از حقوق مالکیت می تواند به ارتقاء توانمندی های داخلی و بهره برداری بهینه از سرمایه های خارجی کمک کند. برای تقویت سرمایه گذاری داخلی نیز، سیاست های جامع و ابزارهای اجرایی مانند بهبود محیط کسب و کار، اصلاح نظام مالیاتی، و ارائه مشوق های مالی ضروری است. استفاده از مدل هایی که ترکیبی از عوامل اقتصادی نظیر نرخ بهره، مشوق های مالیاتی، و میزان پس انداز را در نظر می گیرند، می تواند به جذب بهتر سرمایه داخلی منجر شود. در نهایت، ترکیب اقدامات داخلی و خارجی، همراه با برنامه ریزی دقیق و اجرای مؤثر، می تواند مسیر توسعه اقتصادی را برای کشورهای در حال توسعه هموار کند.

راهکارها و پیشنهادها:

1. کنترل نرخ تورم و برقراری ثبات اقتصادی و ایجاد نظم و هماهنگی در بازارهای پولی و مالی، به هدف کاهش نوسانات نرخ تورم و نرخ ارز در بازارهای داخلی سبب برقراری اطمینان در این بازار و افزایش تمایل سرمایه گذاران برای ورود به بازارهای داخلی و جذب سرمایه خواهد شد.
2. ایجاد فرصت برای تبلیغات و نمایش قابلیت ها و فرصت های سرمایه گذاری داخلی در عرصه بین المللی می تواند اثرات تبلیغات منفی و تحریم ها را برطرف نماید و نوید دهنده جذب سرمایه داخلی و خارجی و ایجاد پیشرفت اقتصادی باشد.
3. کاهش هزینه های طرح های سرمایه گذاری در مراحل مختلف اجرای یک پروژه و طرح، از صدور مجوز تا مراحل بهره برداری از آن و افزایش اعتبار و تسهیلات بانک ها برای بخش های خصوصی و همچنین اعطای یارانه هدفمند دولتی به سرمایه گذاران برای سرمایه گذاری و افزایش اشتغال و بهبود فضای کسب و کار نیز می تواند موجب افزایش سرمایه گذاری داخلی و خارجی شود.

مراجع: